

## تبیین الزامات و راهبردهای دیپلماسی و امنیت انرژی در جمهوری اسلامی ایران

سید عبدالله رضوی<sup>۱\*</sup>

شهره پیرانی<sup>۲</sup>

۱۶۷

### چکیده

به رغم دغدغه‌های فراوان تحلیل‌گران و هشدارها مبنی بر ضرورت کاستن از اتکا به فروش انرژی‌های فسیلی، جمهوری اسلامی ایران کم‌کامکان متکی به صادرات انرژی است، ایجاد وقفه در صادرات این مقوله حیاتی تهدیدی جدی برای اقتصاد ایران و طرح‌های توسعه‌ای به شمار می‌رود که بلافاصله تبعات فرهنگی و اجتماعی متعددی از آن منبث می‌شود. چنین گزاره‌ای حاکی از این است که ضرورت صادرات بی‌وقفه به یک مسئله‌ای امنیتی تحت عنوان امنیت صادرات انرژی مبدل شده است. پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که با توجه به شرایط سیاسی و اقتصادی کنونی، جهت افزایش امنیت بازارهای بین‌المللی انرژی کشور و افزایش دست‌آوردهای سیاسی - اقتصادی، محدودیت‌ها، الزامات و راهبردهای اصلی در حوزه دیپلماسی انرژی کدامند؟. در این پژوهش به پنج دسته راهبرد شامل رویکرد ترکیبی، تنوع بخشی و نگاه بلندمدت به طرح‌های انرژی منطقه، پرهیز از موازی کاری و تشکیل معاونت دیپلماسی انرژی در وزارت امور خارجه، الزام اتخاذ نگاه منطقه‌ای به جای نگاه ملی و دیپلماسی مقاومت و اتخاذ راهبرد انرژی در شرایط تحریم‌ها به منظور کاربست دیپلماسی امنیت انرژی پیشنهاد می‌شود. روش پژوهش کیفی است و همچنین سعی بر آن است که مسئله اصلی بار رویکرد تبیینی مورد واکاوی قرار گیرد.

**واژگان کلیدی:** تحریم، دیپلماسی انرژی، امنیت انرژی، ژئوپلیتیک، تنوع بخشی منطقه‌ای

۱. استادیار گروه اقتصاد و مدیریت انرژی دانشگاه صنعت نفت (نویسنده مسئول)،

\* srazavi@put.ac.ir

۲. استادیار گروه علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد تهران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره دوازدهم، شماره پیاپی چهل و چهار، صص ۱۶۷-۱۹۸

## مقدمه

از جمله مسائلی که در شرایط کنونی محل بحث و ارزیابی مستمر کارشناسان و تحلیل‌گران اقتصادی و علم جغرافیای سیاسی است، جایگاه مهم ژئوپلیتیکی ایران و بایسته‌های راهبردی بهره‌گیری از مواهب چنین موقعیتی است. با این وجود، مسئله مهم‌تر نحوه بهره‌گیری و حتی امکان‌پذیری استفاده از چنین موقعیت سوق‌الجیشی است. به واقع همیشه در ادبیات سیاسی ایران از جایگاه مهم ژئوپلیتیکی ایران صحبت می‌کنند. اما اگر بشود موقعیت جغرافیایی را به گونه‌ای مدیریت کرد که بی‌بدیل باشد، به شکلی که جایگزین نداشته باشد، آن زمان می‌شود از موقعیت ژئوپلیتیکی ایران سخن گفت. اگر یک خط لوله از کنار ایران رد می‌شود، در صورتی که در این خط لوله ایران سهمی یا منفعی نداشته باشد، موقعیت ژئواستراتژیک ایران با چالش مواجه می‌شود و یک جایگزین دارد. به لحاظ موقعیت استراتژیک جغرافیایی و اقتصادی ایران، و ظرفیت بالای منابع انرژی همانند نفت و گاز، به کارگیری دیپلماسی انرژی جهت تحقق اهداف اقتصادی و سیاسی انرژی در سطح بین‌الملل و منطقه‌ای بسیار ضروری است. در سال‌های اخیر با توجه به تحولات بازار بین‌المللی و تغییرات سیاسی اقتصادی در ساختارهای اقتصادی و سیاسی بین‌الملل، ظرفیت دیپلماسی انرژی به عنوان یک راهبرد کلیدی مورد توجه قرار نگرفته است. لذا ضرورت دارد براساس تحولات صورت گرفته در مقیاس بین‌المللی، ضمن تغییر رویکرد سنتی به رویکرد جدید در حوزه دیپلماسی انرژی از ظرفیت انرژی به عنوان یک اهرم مهم و کارآمد در راستای پیشبرد منافع اقتصادی و سیاسی، مورد توجه قرار گیرد. در این راستا با توجه به اینکه رویکرد سنتی تمرکز بر مشتریان قدیمی داشته که عمدتاً از قبل از انقلاب تاکنون نفت ایران را خریداری کرده‌اند، توجهی به ظرفیت‌های جدید و بازارهای بین‌المللی تازه در حوزه دیپلماسی انرژی نشده است، از این رو ظرفیت بازارهای نفت و گاز کشور به ویژه در شرایط تحریمی نتوانست حفظ شود؛ به طوری که حتی ایران در کریدورهای منطقه‌ای انرژی نتوانست سهم قابل قبولی را به دست بیاورد. یکی از چالش‌های دیپلماسی انرژی ایران، علاوه بر مدیریت ناکارآمدی در دیپلماسی انرژی و اولویت نبودن آن، تلاش‌ها و اقدامات کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای ایجاد محدودیت در برابر توان داخلی و موقعیت ژئواکونومیک و ژئواستراتژیکی ظرفیت انرژی کشور ایران است. آمریکا و متحدین منطقه‌ای‌اش به ویژه رژیم صهیونیستی از یک سو و رقبای حوزه انرژی نظیر عربستان، عراق و روسیه از سوی دیگر به دنبال حذف ایران از

مناسبات کریدوری و بهره برداری از کریدورهای جایگزین هستند. از زمره این موارد می‌توان به قرارداد گاز روسیه با دو کشور ترکیه و پاکستان اشاره داشت. تحت چنین شرایطی خط لوله‌ها و کریدورهایی مانند تراسیکا بیش از پیش برجسته شده که مسیر آسیای مرکزی را از طریق خزر به اروپا وصل می‌کند و جمهوری اسلامی ایران به رغم برخورداری از موقعیت ویژه جغرافیایی جایی در آن ندارد. ایران در حال حاضر نه در منطقه قفقاز نه در گستره‌ی آسیای مرکزی پیوند انرژی ندارد. با این حال به دلیل محصور بودن چند کشور منطقه در خشکی می‌توان در یک اقدامی چهار جانبه و در سطح سران حمایت‌های خوبی را به منظور بهره برداری بهینه از این ظرفیت در پیش گرفت. در این چارچوب هدف این مقاله تبیین ظرفیت‌ها و موانع دیپلماسی انرژی در جمهوری اسلامی می‌باشد. با توجه این مسئله نگارنده درصدد پاسخ به این پرسش است که با توجه به شرایط سیاسی و اقتصادی کنونی، جهت افزایش امنیت بازارهای بین‌المللی انرژی کشور و افزایش دست‌آوردهای سیاسی - اقتصادی، محدودیت‌ها، الزامات و راهبردهای اصلی در حوزه دیپلماسی انرژی کدامند؟ فرضیه مطرح در مقاله عبارت است از اینکه پنج راهبرد رویکرد ترکیبی، تنوع بخشی و نگاه بلندمدت به طرح‌های انرژی منطقه، پرهیز از موازی کاری و تشکیل معاونت دیپلماسی انرژی در وزارت امور خارجه، الزام اتخاذ نگاه منطقه‌ای به جای نگاه ملی و دیپلماسی مقاومت و اتخاذ راهبرد انرژی در شرایط تحریم‌ها الزامات شکل‌گیری دیپلماسی انرژی در جمهوری اسلامی می‌باشد. برای بررسی این مسئله که با استفاده از روش تبیینی انجام خواهد شد. ابتدا به ادبیات تحقیق در این زمینه پرداخته خواهد شد و سپس با بررسی چارچوب مفهومی دیپلماسی انرژی، وضعیت کنونی دیپلماسی انرژی و چالش‌های آن در ایران مورد مذاقه و سپس الزامات و راهبرد‌های اصلی جهت تقویت دیپلماسی انرژی در جمهوری اسلامی مورد تبیین قرار می‌گیرد.

### ۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های موجود به صورت مستقیم به پرسش اصلی نوشتار یعنی الزامات و راهبرد عملیاتی در زمینه دیپلماسی انرژی در جمهوری اسلامی نپرداخته‌اند. بیشتر منابع به راهبرد فروش نفت در دوره تحریم، چستی دیپلماسی انرژی، مقایسه تطبیقی دیپلماسی انرژی ایران و روسیه، نبود اسناد بالادستی در حوزه دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی و تاثیر دیپلماسی

انرژی بر امنیت و برعکس را مورد بررسی قرار داده‌اند. به عبارت دیگر مطالعه و ارزیابی پیشینه پژوهش نشان از دغدغه‌مندی جامعه علمی پیرامون مسئله صادرات بی‌وقفه انرژی و ارزآوری خارجی دارد که در ذیل به آن اشاره شده است و اما پژوهش با نگاه تبیینی در صدد بررسی ظرفیت‌ها و موانع موجود بر سر شکل‌گیری دیپلماسی انرژی و امنیت آن در جمهوری اسلامی می‌باشد.

رضوی و بیات (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای تحت عنوان "درس‌های تجارت نفت و گاز جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر راهبردهای تجارت نفت و گاز روسیه در دوران تحریم" به بررسی راهبردهای روسیه در حوزه نفت و گاز پرداخته‌اند. نگارندگان از جمله راهبردی‌های ویژه روسیه به مواردی نظیر وابسته نمودن اقتصاد کشورهای اروپایی به نفت و گاز روسیه، تنظیم قیمت‌ها، واگذاری و نگهداری سهام شرکت‌های نفتی دولتی به شرکت‌های بین‌المللی، توسعه خطوط لوله نفت و گاز، تغییر مسیر همکاری‌ها از غرب به شرق، برقراری دیپلماسی فعال اشاره می‌کنند. نویسندگان درس‌آموخته‌های روسیه در حوزه انرژی را برای کشور ایران ارائه می‌دهند. آنها بر این باورند که روسیه با برقراری دیپلماسی فعال با کشورهای آسیایی که بیشتر این کشورها در مقابل تحریم‌ها مقاومت کرده‌اند، در حال جذب سرمایه‌گذاری کشورهای آسیایی بوده و با این راهبرد کاهش روابط با کشورهای غربی را جبران نموده است، انتقال نفت از طریق خطوط لوله از عوامل تأمین امنیت تقاضای نفت را به همراه داشته و بر این اساس روسیه یکی از سیاست‌های راهبردی خود را در حیطه حمل و نقل، انتقال نفت و گاز از طریق قراردادهای بلندمدت و خطوط لوله اتخاذ نموده است. افزایش نقش شرکت‌های بین‌المللی در روسیه از استراتژی این کشور برای به دست آوردن فناوری یا دسترسی یافتن شبکه صادرات گاز و نفت آنها است.

طریقی و طاهری (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان "دیپلماسی انرژی در اسناد راهبردی سیاست خارجی ایران" به نقش دیپلماسی انرژی به مثابه بخشی بنیادین از سیاست کلان خارجی، برای کشوری چون ایران که از ذخایر گسترده انرژی و خام و توان تولید انواع انرژی‌های راهبردی تأکید دارند. نگارندگان با مرور اسناد توسعه سوم و چهارم کشور و همچنین سند چشم‌انداز بیست‌ساله در زمینه دیپلماسی انرژی اشاره دارند که جایگاه دیپلماسی انرژی و مولفه‌های آن، در کانون سیاست‌گذاری‌ها و راهبردسازی‌های سیاست

خارجی و مدیریت اقتصادی ایران قرار نداشته و بی توجهی به ظرفیت های پیدا و پنهان آن، بازماندگی از مسیر توسعه و قدرت یابی اقتصادی و سیاسی را به همراه داشته است.

رضوی و رسولی امیرآبادی (۱۳۹۷)، در مقاله ای تحت عنوان "بررسی راهبردهای نوین فروش نفت خام ایران با رویکرد ضد تحریمی"، ضمن اشاره به اقدامات ایالات متحده آمریکا جهت ایجاد محدودیت در روند و مقاصد فروش نفت، به ارائه راهبردهایی برای خروج از این محدودیت ها می پردازد. در حقیقت اصلی ترین مسئله ای که این پژوهش درصدد پاسخ به آن بوده، ارائه راهبردهایی برای فروش نفت خام ایران با توجه به تحریم های هوشمند فعلی است. در این مقاله با مصاحبه با نخبگان حوزه نفت و استخراج راهکارهای مدنظر آنها، در مجموع تعداد ۱۶ راهبرد در حوزه های فنی، سیاسی، حقوقی، مالی - اقتصادی و تجاری بازرگانی ارائه شده است. در پایان راهبردهای پیشنهادی از جمله سوآپ و تاپ آب نفت، ایجاد بورس نفت در داخل کشور، ساخت مخزن ذخیره سازی در داخل و خارج از کشور را به منظور فروش نفت خام ایران پیشنهاد داده شده است.

صادقی، دهقانی فیروزآبادی و آجیلی (۱۳۹۷) در مقاله ای تحت عنوان "بایسته های دیپلماسی انرژی ایران در نظام اقتصادی سیاسی بین الملل" اظهار می دارند که انرژی به عنوان یک متغیر ژئوپلیتیک، جایگاه ویژه ای را در روابط قدرت در نظام جهانی معاصر باز کرده و دسترسی به منابع انرژی برای تمامی سطوح سلسله مراتبی قدرت جهان، اهمیتی استراتژیک پیدا کرده است. از این رو، هر یک از بازیگران نظام جهانی به دنبال تعریفی معقول از جایگاه دیپلماسی انرژی خود در جهان می باشند. دیپلماسی انرژی به عنوان یکی از ضرورت های رفتار راهبردی ایران می باشد که بهره گیری از آن، زمینه الزام برای کاهش محدودیت بین المللی علیه ایران را فراهم می سازد.

یاری و رضایی (۱۳۹۶)، در مقاله ای تحت عنوان "دیپلماسی و امنیت انرژی جمهوری اسلامی ایران" به دنبال پاسخ به این پرسش هستند که دیپلماسی انرژی چه تأثیری بر امنیت انرژی جمهوری اسلامی ایران دارد؟ فرضیه ای که نگارندگان در پاسخ به پرسش مطرح می کنند این است که دیپلماسی انرژی از یک سو می تواند پاشنه آشیل امنیت انرژی ایران باشد، اما از سوی دیگر با به کارگیری دیپلماسی انرژی به طور سنجیده و هدفمند، می توان با تقویت همکاری و همگرایی منطقه ای و جهانی در حوزه انرژی باعث افزایش جذب سرمایه گذاری خارجی و افزایش ورود تکنولوژی نوین در صنعت انرژی شد و با کاهش تهدیدت

حوزه تولید و افزایش سطح تولید و میزان بهره‌وری انرژی به افزایش صادرات انرژی، به امنیت انرژی پایدار در جمهوری اسلامی ایران دست یافت.

پور احمدی و ذولفقاری (۱۳۸۸)، در مقاله ای تحت عنوان "دیپلماسی انرژی و منافع ملی جمهوری اسلامی" با استفاده از روش کتابخانه‌ای، اظهار می‌دارند؛ غلبه نگاه بازرگانی در موضوع انرژی که از عدم لحاظ شدن نگاه بلندمدت و راهبردی به مسائل بخش انرژی در رویکرد خارجی، دیپلماسی انرژی، حکایت می‌کند، بیانگر این است که ایجاد تحول در شرایط عمومی بازیگری منطقه ای و بین‌المللی کشور نیازمند مدنظر داشتن راهبردهای بلندمدت بخشی و از جمله برای سیاست خارجی است. آنان ضمن ارائه تعریفی از دیپلماسی انرژی و تبیین عرصه آن، به رابطه دیپلماسی انرژی با منافع ملی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و موانع دستیابی جمهوری اسلامی ایران به الگوی جدید پرداخته‌اند.

اسلامی (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای تحت عنوان "دیپلماسی انرژی ایران و روسیه: زمینه‌های همگرایی و واگرایی" سه پرسش کلیدی را مطرح می‌کند. مفهوم و کارکرد دیپلماسی انرژی چیست؟ مؤلفه‌ها، فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی انرژی ایران و روسیه کدامند؟ چه زمینه‌هایی برای همگرایی و واگرایی بین ایران و روسیه وجود دارد؟ نگارنده بر این باور است که تلفیق مباحث نظری و تطبیقی نشان می‌دهد که عوامل تأثیرگذار و مؤلفه‌های شکل‌دهنده دیپلماسی انرژی ایران و روسیه در ماهیت خود از بستر وسیع‌تر منطقه‌ای و جهانی جدا نیست و همانگونه که بر آنها تأثیر می‌گذارد، از آنها نیز تأثیر می‌پذیرد. نتیجه‌گیری که ارائه می‌شود این است که دیپلماسی انرژی ایران و روسیه در سطح دو جانبه همگن و همگرا نیست و به رغم وجود عوامل و زمینه‌هایی برای همگرایی، عوامل و زمینه‌هایی برای واگرایی بین آنها نیز وجود دارد.

## ۲. چارچوب مفهومی: دیپلماسی انرژی

در میانه‌ی دوران جنگ سرد<sup>۱</sup>، با توجه به تحولات سیاسی اقتصادی در عرصه بین‌الملل، مطالعه روابط متقابل مسائل سیاسی و اقتصادی در عرصه سیاست بین‌الملل، مورد توجه سیاستمداران و پژوهشگران قرار گرفت. پس از پایان جنگ سرد و سربرآوردن نظام‌های سیاسی - اقتصادی نوین و نیز کشورهای در حال توسعه‌ای که وابستگی به هیچ کدام از

1. Cold War

بلوک قدرت نداشتند، روابط مسایل سیاسی و اقتصادی در سطح بین‌الملل، از تنوع خاصی برخوردار شد. مباحث حاصل از نتایج روند فوق در چارچوب موضوعی به نام اقتصاد سیاسی بین‌الملل<sup>۱</sup> متمرکز و مورد بررسی پژوهشگران عرصه علوم سیاسی و اقتصادی قرار گرفت. تمرکز اقتصاد سیاسی بین‌الملل، بررسی موضوعاتی از قبیل سیاست‌های اقتصادی و سیستم‌های مالی و تجاری بین‌الملل است. با توجه به رشد روزافزون اهمیت و جایگاه انرژی به عنوان یک نهاد در تولید و رشد اقتصادی کشورها، یکی از شاخه‌های اصلی این حوزه به روابط دیپلماسی انرژی کشورها به عنوان یکی از زیرشاخه‌های دیپلماسی و دیپلماسی اقتصادی، در سطح بین‌المللی اختصاص یافت (دولت‌شاهی، ۱۳۹۰: ۱۵۶).

از زمره هدف اساسی برای همه کشورها در پیش گرفتن سیاست خارجی و مشارکت برون‌مرزی قوی در سراسر جهان، ایجاد شبکه‌ای از دوستان و متحدان است. در دنیایی به هم وابسته کنونی، چنین پیوندهای برای پیگیری منافع کشورها ضروری هستند. این منافع شامل امنیت ملی<sup>۲</sup> (یعنی ایمنی و بقای دولت در هر شرایطی) و همچنین منافع سیاسی، اقتصادی و سایر موارد می‌شود که به حوزه‌هایی مانند فرهنگ، آموزش، محیط زیست، علم و فناوری، گردشگری و مواردی از این دست تسری پیدا می‌کند. دولت‌ها عمدتاً به دنبال منافع شخصی خود به شیوه‌ای خردمندانه هستند و به دنبال به حداکثر رساندن منافع خود هستند، اما به نحوی که به نفع سایر شرکا نیز باشد؛ زیرا این تنها راه برای ایجاد روابط پایدار است. تقویت حقوق بین‌الملل در سال‌های اخیر نیز از این نظریه حمایت می‌کند که هنجارهای رفتار بین‌المللی امروزه بیش از هر زمان دیگری در گذشته توسط جامعه بین‌الملل پذیرفته شده و اجرا می‌شوند. در موقعیت‌های بازی که شامل دنیای هرج و مرج گونه و قانون جنگل هست دیپلماسی چندان پایدار نیست. در بیشتر موارد، دیپلماسی بیش از یک سود حاصل از مجموع بازی جمه جبری صفر نیست؛ زیرا کسب مزیت و سود یکی به قیمت ضرر دیگرکنشگر تمام نمی‌شود و در بیشتر موقعیت‌ها، هر دو طرف سود می‌برند. یکی از عبارات مورد علاقه ایندیرا گاندی<sup>۳</sup> این بود که روابط کشور را به مراقبت و پرورش یک گیاه تشبیه می‌کرد که مستلزم همان توجه و تلاش طولانی‌مدت به منظور پرورش آن است. این قیاس در حوزه دیپلماسی مناسب است (S.Rana, 2007: 16).

1. International Political Economy
2. National Security
3. Indira Gandhi

دیپلماسی رفتار روابط بین‌المللی دولت‌ها را از طریق تعامل نمایندگان رسمی یا گروه‌ها توصیف می‌کند. این موضوع شامل طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها و رویکردها برای تبادل اطلاعات، توافق‌نامه‌ها و مذاکره است که بسته به بازیگران و موقعیت‌های گوناگون به طور گسترده‌ای متفاوت است (Collins and Packer, 2006:6). دیپلماسی<sup>۱</sup> در واقع ایجاد تعادل میان منافع داخلی کشور متبوع دیپلمات با منافع سایر دولت‌ها و کشورهاست. این تعریف دقیق‌ترین مفهوم و مقصود از دیپلماسی در میان تعاریف مطرح شده ادبیات بین‌الملل است؛ چون دیپلماسی بده بستان است نه برد یک سویه به نفع کشوری هر چند قدرتمند در صحنه بین‌المللی. به جز تعریف فوق، گاه دیپلماسی را مدیریت روابط خارجی با سایر دولت‌ها و سایر کنش‌گران روابط بین‌الملل تعریف کرده‌اند که اساساً در چارچوب دولت‌های ملی کاملاً مستقل انجام می‌شود (Stanzel, 2018:9). از این دیدگاه، دیپلماسی به معنای مشارکت در تصمیم‌گیری و اجرای سیاست خارجی است. وسیله‌ای که دولت می‌تواند از طریق انجام مذاکرات، تبادل نمایندگی‌ها، توسعه همکاری‌ها و دیدارها و گفت و گوها به اهداف و منافع خود دست یابد. در تعریفی دیگر نیز دیپلماسی را نزدیک کردن دولت‌ها، ایجاد زمینه‌های همکاری در چارچوب سازمان‌های بین‌المللی و ارتباط با سایر بازیگران دولتی و غیردولتی به منظور ایجاد فضای مسالمت‌آمیز در صحنه جهانی خوانده‌اند. برای گونه‌شناسی بهتر، بایستی اینگونه فعالیت‌ها را از اجبار یا استفاده از زور به منظور حصول نتیجه متمایز کرد. با وجود اینکه در حوزه دیپلماسی باید تحریم‌ها و مداخلات نظامی را از بررسی‌های خود حذف کرد، اما می‌توان اذعان داشت که دیپلماسی غیر اجباری ممکن است در زمینه‌ها و شرایطی اتفاق بیفتد که این عوامل نیز وجود دارند. همچنین این مسئله نیز قابل درک است که احتمال دارد شرایطی وجود داشته باشد که در آن استفاده از زور (به ویژه با رویکرد پیشگیرانه) ممکن است توسط طرف‌های درگیر با هدف دستیابی به ثبات لازم برای ادامه دیپلماسی و فرآیندهای سیاسی مرتبط مورد استقبال قرار گیرد (Collins and Packer, 2006:6).

در شرایط کنونی دیپلماسی معنا و مفهومی موسع، چندلایه و چندگانه‌ای پیدا کرده است و صرفاً فعالیت‌های دیپلماتیک در حیطه مسائل سیاسی و امنیتی شکل نمی‌گیرد. در همین رابطه یکی از ابعاد مهم‌تر از حتی بعد سیاسی، فعالیت‌هایی بنیادینی تحت عنوان دیپلماسی اقتصادی است. دیپلماسی اقتصادی همواره در اقدامات دیپلماسی حضور داشته است (de

1. Diplomacy



Sousa,2019:1). بررسی توسعه دیپلماسی اقتصادی و درک چگونگی تکامل آن در طول زمان اهمیت زیادی دارد. دیپلماسی اقتصادی<sup>۱</sup> را باید تصمیم‌گیری و مذاکره درباب مسائل اصلی روابط اقتصادی بین‌المللی نظیر تجارت، سرمایه‌گذاری و امور مالی دانست. دیپلماسی اقتصادی نه تنها باعث رونق دولت می‌شود، بلکه، همانطور که مناسب است ایجاب کند و فرصت‌ها اجازه می‌دهد، روابط تجاری و مالی خارجی دولت‌ها را در حمایت از سیاست خارجی خود دستکاری می‌کند. موضوعاتی همچون محیط زیست و توسعه نیز پیامدهای اقتصادی قابل توجهی برای سیاست‌ها در این حوزه دارند. دیپلماسی اقتصادی به مذاکره درباب چهارچوب روابط اقتصادی بین‌المللی و نیز مذاکرات دیگری که بر ایجاد و ترویج فعالیت‌های اقتصادی بین‌المللی تأثیرگذار هستند، نیز گفته می‌شود. درخور توجه است که امروزه پروژه توسعه اقتصادی کشورها نمی‌تواند مستقل از دیگران تعریف شود. به عبارت دیگر، توسعه در یک بستر بین‌المللی‌ای جریان می‌یابد که در آن میان کشورهای نوعی وابستگی متقابل نامتقارن و پیچیده وجود دارد (قنبرلو، ۱۳۹۳: ۱۰۶). دیپلماسی اقتصادی کلید روابط خارجی کشورها در عصر حاضر است. هر روز می‌بینیم که کشورها از دیپلماسی کلاسیک کمتری استفاده می‌کنند و استراتژی‌های بیشتری برای کمک به افزایش صادرات خود، بین‌المللی کردن شرکت‌های خود و جذب سرمایه‌گذاری خارجی تعریف می‌کنند. گرچه تعریف دقیقی برای دیپلماسی انرژی وجود ندارد، اما به فعالیت‌های خارجی مرتبط با دولت مربوط می‌شود که هدفشان تضمین امنیت انرژی یک کشور و همچنین ارتقای فرصت‌های تجاری مرتبط با بخش انرژی است در میان مجموعه ابزارهای سیاست خارجی که می‌توان از آنها برای حمایت از منافع انرژی یک کشور در طول عرصه جهانی انرژی استفاده کرد، دیپلماسی یکی از مهمترین آنها است که می‌تواند دو طرفه یا چند جانبه باشد. چالش‌های ژئوپلیتیکی<sup>۲</sup> که در جریان انتقال انرژی به وجود می‌آیند، برقراری روابط دیپلماتیک دوجانبه ویژه را اهمیت فزاینده‌ای می‌بخشد (Griffiths,2019:3). در واقع دیپلماسی انرژی برنامه‌ای استراتژیک، جامعه و کارآمد است که بر اساس آن تعاملات بین-المللی در حوزه انرژی را برای یک کشور مدون کرده و چارچوب کلی توافقات را مشخص

1.Economic Diplomacy  
2.Geopolitical challenges

می‌سازد. دیپلماسی انرژی با دیپلماسی اقتصادی به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف استراتژیک در حوزه اقتصاد و انرژی است.

یکی از راه‌هایی که ایران به وسیله آن می‌تواند ضریب امنیت ملی خود را افزایش دهد، توجه به سیاست خارجی مبتنی بر امنیت انرژی است. دیپلماسی انرژی انجام ماموریت‌های دیپلماتیک در حمایت از تجارت کشور، بخش مالی تشویق موقعیت اقتصادی، اهداف کلان توسعه کشور در بخش انرژی و شامل تشویق سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در حوزه انرژی است. دیپلماسی انرژی پاسخی به تهدیدات و محدودیت‌های ژئوپلیتیک ایران محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، می‌توان از طریق تحرک دیپلماتیک، برنامه‌ریزی اقتصادی، ارتقای قابلیت‌های فنی و بهره‌گیری از منابع اقتصادی، زمینه‌های لازم را برای فعال‌سازی دیپلماسی انرژی فراهم آورد.

از منظر دیگر، دیپلماسی انرژی می‌تواند پارامتر بسیار مهمی در افزایش امنیت انرژی به ویژه بازارهای بین‌المللی نفت و گاز باشد. در مورد امنیت انرژی با توجه به بلندمدت بودن و سرمایه‌گذاری مشترک بر روی صادرات انرژی از طریق خط لوله و کاهش امکان تاثیرگذاری تحریم‌ها بر روی تجارت نفت و گاز از این طریق، ترانزیت انرژی از این طریق بسیار مهم و راهبردی است. حمل و نقل لوله‌ای یکی از بهترین و سالم‌ترین شبکه‌های حمل و نقل در جهان است. اولین خط لوله‌ای که گاز را جابجا کرد ترانزیتی بود. در حال حاضر با این روش ایران گاز کشور ترکمنستان را به ترکیه صادر می‌کند و از طریق آن مبلغی را به عنوان حق ترانزیت دریافت می‌کند. این حق ترانزیت به شکل استفاده از گاز است که به دلیل بدهی و تاخیرها در پرداخت به ترکیه در اکثر مواقع با جریمه و دیرکرد روبرو است. از طرفی در اسناد بالا دستی کشور شامل برنامه های پنج ساله توسعه و سند چشم انداز بیست ساله دیپلماسی انرژی به طور ویژه در کانون سیاست گذاری ها و راهبرد سازی های سیاست خارجی و مدیریت اقتصادی ایران قرار نداشته و بی توجهی به ظرفیت های پیدا و پنهان آن، بازماندگی از مسیر توسعه و قدرت یابی اقتصادی و سیاسی را به همراه داشته است. فقط در «سند ملی راهبرد انرژی» که مصوب سال ۱۳۹۶ هئیت وزیران است، در بندهای ۸ و ۱۲ به صورت کلی به ضرورت توجه به موقعیت ژئوپلیتیک ایران در فروش حامل های انرژی برای ارتقای دیپلماسی انرژی اشاره شده است (طریقی و ظاهری، ۱۳۹۸: ۲۷۵). اما به هیچ وجه

اشاره نشده است که دیپلماسی انرژی ایران چه ویژگی باید داشته باشد. علاوه بر این، اجماعی میان تصمیم گیران و دستگاه های اجرایی در الویت بندی طرح ها و تخصیص منابع دیده نمی شود. این امر آسیب های جدی به صنعت انرژی ایران وارد کرده است که در ادامه با بررسی وضعیت موجود دیپلماسی انرژی و چالش این حوزه به الزامات و رویکرد های جدید جهت برون رفت از آن پرداخته خواهد شد.

### ۳. وضعیت موجود دیپلماسی انرژی و چالش های این حوزه

۱۷۷

– رویکرد سنتی<sup>۱</sup>: نفت خام ایران همواره به عنوان یکی از منابع تامین کننده درآمد نفتی کشور مطرح بوده است. از این جهت فروش نفت و اتخاذ راهبردهایی که امنیت بازار نفت کشور را تامین نماید همواره از اهمیت به سزایی برخوردار بوده است که تاکنون استراتژی های مناسب در حوزه دیپلماسی انرژی از سوی متولیان امر (وزارتخانه های نفت و نیرو) مشاهده نشده است. به خصوص در حوزه صنعت نفت همواره روی مشتریان قدیمی نفت تمرکز بوده است. بسیاری از این مشتریان از قبل از انقلاب، مشتری نفت کشور ما بوده اند. در این رویکرد امور بین الملل شرکت ملی نفت که مسئولیت فروش نفت را بر عهده دارد به عنوان یک فروشگاهی است که مشتریان قدیمی نفت ایران برای خرید نفت خام ایران صف می کشند و هیچگونه خلاقیت، ابتکار و به کارگیری روش های نوین بازاریابی و فروش در آن به کار گرفته نمی شود. در اینصورت با تغییر شرایط و ساختار بازار و همچنین تحریم های نفتی، رویکرد سنتی یک روش ناکارآمد تلقی می گردد. این در حالی است که امروزه در بازار بین المللی نفت معاملات نفت از طرق گوناگون نظیر بازارهای مشتقه (مالی) نفت (مثل فیوچرز و فوروارد) و انواع معاملات اعم از تهاتری و غیرتهاتری صورت می پذیرد که این روش ها و ابزارها در رویکرد سنتی بازار نفت ایران به کار گرفته نمی شود. به علاوه در رویکرد سنتی اساساً دیپلماسی اعم از عمومی، اقتصادی و سیاسی جایگاهی ندارد و اهداف کشور نظیر کشورهای حوزه مقاومت در حوزه دیپلماسی انرژی ایران دیده نمی شوند. باتوجه به اینکه کشورهای حوزه مقاومت نیز مورد خشم و غضب ایالات متحده آمریکا هستند، در حوزه دیپلماسی انرژی می توان از ظرفیت این کشورها در جهت ایجاد روابط اقتصادی و تجارت انرژی و مقابله با تحریم ها بهره برد.



- رویکرد متعارض کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای: یکی از چالش‌های دیپلماسی انرژی ایران، علاوه بر مدیریت ناکارآمدی در دیپلماسی و اولویت نبودن آن، تلاش‌ها و اقدامات کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای ایجاد محدودیت در برابر توان داخلی و موقعیت ژئواکونومیکی - ژئواستراتژیکی ظرفیت انرژی ایران است. آمریکا و متحدین منطقه‌ای‌اش مانند رژیم صهیونیستی از یک سو و رقبای حوزه انرژی مانند عربستان، عراق و روسیه از سوی دیگر به دنبال حذف ایران از مناسبات کریدوری و بهره‌داری از این کریدورها هستند. مانند قرارداد گاز روسیه با ترکیه و پاکستان. در این شرایط شاهد خط لوله‌ها و کریدورهایی مانند تراسیکا هستیم که مسیر آسیای مرکزی را از طریق خزر به اروپا وصل می‌کند و ما جایی در آن نداریم. ایران در حال حاضر نه در قفقاز نه در آسیای مرکزی پیوند انرژی ندارد. با این حال به دلیل محصور بودن چند کشور منطقه در خشکی می‌توان در یک اقدامی چهار جانبه و در سطح سران حمایت‌های خوبی برای بهره‌برداری از این ظرفیت در پیش گرفت.

- فقدان مشارکت در کریدورها: ظرفیت‌های فعال نشده منطقه‌ای انرژی یکی دیگر از چالش‌های دیپلماسی انرژی است. نگاه غالب در مقامات و نهادهای رسمی و نیز محافل علمی و دانشگاهی ایران در قبال طرح‌های انتقال انرژی غیر از مسیر ایران از جمله خط لوله تاپی عمدتاً انتقادی و تقابلی بوده است. براین اساس، نگاه به شدت منفی و انتقادی علیه کلیه طرح‌های انتقال انرژی نظیر ترانس خزر، نابوکو، باکو - تفلیس - جیهان و به‌ویژه خط لوله گاز تاپی (به‌عنوان رقیب خط لوله صلح) شکل گرفت که آثار بسیار منفی‌ای را نیز در کشورهای همسایه ایران به دنبال داشت. از جمله اینکه این موضوع در بین افکار عمومی و نخبگان این کشورها مطرح شد که ایران با تبلیغ مسیرهای ارتباطی و کریدورهای انرژی عبوری از ایران به‌عنوان ارزان‌ترین، به‌صرفه‌ترین و امن‌ترین مسیرها، قائل به انتقال هیچ کریدور ارتباطی و طرح انتقال انرژی از کشورهای دیگر نیست. مشارکت خط لوله‌ها و کریدورها نیازمند همکاری سه یا چهارجانبه با دستور کار مشخص است. این اقدام، یک راه میانی بین ناکامی ایران در سازمان‌ها و دیپلماسی منطقه‌ای و محدودیت‌های دیپلماسی دو جانبه است.

- تحریم‌های بین‌المللی: ایران به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین کشورهای تولیدکننده نفت خام و سومین تولیدکننده اوپک، حدود ۴ درصد از نفت جهان را تا قبل از تحریم‌ها تولید می‌کرد،

اما با موانعی از سوی مصرف‌کننده‌ها و تولیدکننده‌های عمده مواجه است. این تحریم‌ها حوزه‌های فروش نفت و بیمه محموله‌های نفتی، حوزه بانکی و مالی را مورد هدف قرار داده است. تمرکز این تحریم‌ها بر بازرگانی کشورهای عضو اتحادیه اروپا و نیز منطقه آسیا از هرگونه خرید و فروش نفت خام و فرآورده‌های نفتی از ایران بوده است. پس از اعلامیه می ۲۰۱۸ مبنی بر خروج از توافق هسته‌ای (برنامه جامع اقدام مشترک موسوم به برجام)، ایالات متحده به تدریج تمامی تحریم‌های هسته‌ای یکجانبه علیه این کشور را مجدداً اعمال کرد. تا نوامبر ۲۰۱۸، رژیم تحریم‌های واشنگتن دوباره به قوت خود رسید. مشابه وضعیت قبل از انعقاد برجام در سال ۲۰۱۵، هدف قرار دادن بخش انرژی از جمله مقاصد کلیدی طراحان رژیم تحریم‌ها است. از جمله، تحریم‌های ایالات متحده به دنبال جلوگیری از سرمایه‌گذاری خارجی، ممنوعیت صادرات انرژی ایران و محدود کردن دسترسی دولت به درآمد حاصل از صادرات انرژی است. تحریم‌ها اثرات عمیقی بر اقتصاد ایران به طور کلی و بخش انرژی به طور خاص دارد. حتی قبل از اجرایی شدن تحریم‌ها، شرکت‌های نفتی بین‌المللی<sup>۱</sup> کشور را رها کردند و صادرات نفت تهران به شدت کاهش یافت. از میانگین ۲.۵ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۷، صادرات نفت خام و میعانات گازی موقتاً به ۱.۰ میلیون بشکه در روز در ماه نوامبر کاهش یافت (Jalilvand, 2019:2).

صنایع انرژی کشور (نفت، گاز و نیرو) به دلیل مدت زیاد تحریم‌ها و کمبود منابع لازم از سرمایه‌گذاری در آنها جهت بهبود سیستم و استفاده از تکنولوژی نو محروم بوده و این خطر برای این صنعت متصور است که در آینده آن توان و کارایی را که از آن انتظار می‌رود نداشته باشد. این خطرات شامل صنایع مرتبط با سیستم‌های انتقال، پالایش، نیروگاه‌های تولید برق، استفاده از گازهای همراه نفت، لجستیک و مخازن است. بایستی در این خصوص با افزایش قیمت و صادرات نفت و همچنین تغییرات در سهم سرمایه‌گذاری در این صنعت که مزیت کشور است، از افول بیش از آن جلوگیری کرد. از سویی دیگر بی‌توجهی به ظرفیت‌های داخلی به واسطه نگاه غرب محور، یکی دیگر از چالش‌های این حوزه بوده که نیازمند بازبینی جدی است. در این شرایط شناسایی راهبردهایی برای فروش نفت با اتکا به دیپلماسی مقاومت امری ضروری و حیاتی است. شناسایی تک‌تک این راهبردها و تلاش برای اجرا و استفاده از آنها برای دیپلماسی فناوری، صادرات حوزه انرژی و نیروگاهی،

1. International Oil Companies

حوزه پایین دستی صنعت نفت و افزایش درآمدهای ناشی از آن در جای خود بسیار مهم است.

دیپلماسی می‌تواند ظرفیت‌های بالقوه انرژی کشور را به عنوان یک اهرم پیشبرنده منافع اقتصادی و سیاسی کشور در صحنه بین‌المللی مورد بهره برداری قرار گرفت. به ویژه در شرایط تحریمی که فروش نفت ایران با مشکل جدی مواجه می‌باشد. دیپلماسی انرژی به عنوان برای بی‌اثر کردن تحریم‌ها یک راهبرد کلیدی است. به عنوان نمونه کشور روسیه علی‌رغم تحریم غرب علیه صنعت نفت این کشور با استفاده از دیپلماسی انرژی تأثیرات این تحریم‌ها را خنثی نموده است. اقداماتی نظیر وابسته‌سازی مصرف نفت مشتریان به نفت روسیه از طریق سهامداری در پالایشگاه‌ها، صادرات از طریق خط لوله، سرمایه‌گذاری مشترک با شرکت‌های بین‌المللی نفت، حذف دلار از معاملات نفتی، تقویت همکاری با مشتریان جلب سرمایه‌گذاری کشورهای آسیایی به جای کشورهای غربی و اروپایی، واگذاری بخشی از سهام شرکت‌های دولتی نفتی به شرکت‌های بین‌المللی، روی آوردن به بازارهای محلی و منطقه‌ای برای فروش نفت (رضوی و بیات، ۱۳۹۸: ۱۱۸).

- انقلاب در فناوری‌های انرژی پاک:

انرژی پاک اغلب به عنوان جایگزینی برای انرژی سوخت فسیلی دیده می‌شود. در این زمینه، هزینه‌های عمومی با هدف کاهش تدریجی وابستگی به سوخت‌های فسیلی و انتشار دی‌اکسیدکربن زمانی که مشوق‌های لازم را برای کسانی که می‌خواهند در صنعت انرژی‌های تجدیدپذیر سرمایه‌گذاری کنند، فراهم کند، کاهش می‌یابد. علاوه بر این، استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر می‌تواند راهبردی برای کاهش تخریب محیط زیست و به ویژه وابستگی به واردات باشد. این امر به جلوگیری از پیامدهای ناخواسته نوسان قیمت نفت در کشورهای وابسته به انرژی کمک می‌کند (Karacan and others, 2021:2). انرژی‌های تجدیدپذیر در واقع کمتر از سایر منابع انرژی در سراسر جهان تحت تأثیر همه‌گیری کووید-۱۹ قرار گرفته‌اند. تنها سوخت‌های زیستی برای حمل و نقل تحت تأثیر شدیدتری قرار گرفتند؛ زیرا مصرف این سوخت‌ها به دلیل کاهش سفرها و قیمت پایین نفت تنزل یافت. کاهش هزینه‌های سرمایه‌ای باعث شد که تعداد بی‌سابقه‌ای از نیروگاه‌های انرژی خورشیدی و بادی در

سطح جهان نصب شوند. در نتیجه، در حالی که تولید برق از زغال‌سنگ، گاز طبیعی و هسته‌ای کاهش یافت، انرژی‌های تجدیدپذیر برای اولین بار از سوخت‌های فسیلی به عنوان منبع اصلی انرژی اتحادیه اروپا برای سال ۲۰۲۰ پیشی گرفتند. به طور کلی انرژی‌های تجدیدپذیر ۳۸ درصد برق اتحادیه اروپا، در مقابل ۳۷ درصد سوخت‌های فسیلی و ۲۵ درصد هسته‌ای را به خود اختصاص می‌دهد (European Commission, 2021:5). تحول چشمگیر در فناوری‌های انرژی پاک، طی دهه‌های آینده، جهان را تا حدود زیادی از مصرف نفت، گاز طبیعی و زغال‌سنگ دور می‌کند. افکار عمومی جهان هم با تغییرات همراهی زیادی دارد. اگر جهان موفق به کربن‌زدایی شود، کشورهای نفتی چون ما از چند جهت متضرر می‌شوند. نخست، آن‌ها دچار خسارات عمده سرمایه‌ای خواهند شد که در دهه‌های گذشته در زمینه سوخت‌های فسیلی به کار گرفته‌اند. دوم، آن‌ها متحمل خسارات اقتصادی جانبی خواهند شد، زیرا صندوق‌های ارزی دیگر نمی‌تواند هزینه‌های بخش دولتی را از طریق رانت‌های سوخت فسیلی تأمین کند. نکته سوم و مهم‌تر اینکه مزایای نسبی ژئوپلیتیک خود را از دست خواهند داد؛ زیرا این کشورها علیرغم دسترسی به سوخت‌های فسیلی، در زمینه انرژی‌های دیگر مثل انرژی بادی، خورشیدی، آبی و دیگر منابع کربن صفر وضعیت مناسبی نداریم.

#### ۴. الزامات اصلی در حوزه دیپلماسی انرژی

- کاربست طرح‌های بدیل به منظور مقابله با تحریم‌های آمریکا: تحریم‌های متعدد آمریکا و نیز صدور قطعنامه‌ای متعدد علیه ایران کار را برای فروش نفت ایران دشوار نموده است. این تحریم‌ها که از ابتدای پیروزی انقلاب علیه ایران صادر شد در دهه اخیر شدت بیشتری به خود گرفته است. تحریم‌های اعمال شده علیه ایران تأثیر منفی و معناداری بر میزان صادرات ایران به تمام شرکای تجاری آن در تمام سال‌ها داشته است (Shirazi and others, 2016:111). با توجه به شرایط کنونی دستیابی به راهکارهایی برای بی‌اثر کردن تحریم‌ها در این صنعت اهمیت بیشتری می‌یابد. دیپلماسی مبتنی بر مقابله با تحریم‌های نفتی باید مبتنی بر سازوکارهای فنی، سیاسی، اقتصادی، مالی، تجاری و بازرگانی باشد. اقداماتی نظیر ساخت پالایشگاه‌های کوچک و پترو پالایشگاه در داخل کشور، سرمایه‌گذاری در پروژه‌های خارجی و خرید پالایشگاه خارج از کشور، استفاده از ظرفیت همسایگان منطقه‌ای

و کشورهای بزرگ همسو، شرکت‌های تراستی و امین واسط، ورود بخش غیردولتی کشور در بازاریابی نفت خام، تجارت متقابل و تهاثر، پروژه‌های توسعه‌ای کشور توسط شرکت‌های خارجی با استفاده از درآمدهای نفتی، استفاده از افراد خبره دارای اختیار تام، شبکه مویرگی فروش نفت، بورس نفت داخل کشور، سوآپ و تاپ آپ نفت، ساخت مخازن ذخیره‌سازی در داخل و خارج از کشور، ایجاد ستاد هماهنگی داخلی برای مقابله با تحریم، تشکیل سازمان کشورهای تحریم‌شده بلندینگ نفت، استفاده از پیمان‌های پولی دو جانبه یا چند جانبه و ارزهای رمزنهاد (رضوی و رسولی امیرآبادی، ۱۳۹۷: ۱۶۶-۱۶۹).

- جذب سرمایه‌گذاری: بعد مالی در فروش نفت اهمیت فراوانی دارد و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های خارجی و خرید پالایشگاه خارج از کشور، ورود بخش غیردولتی کشور در بازاریابی نفت خام و استفاده از پیمان‌های پولی دو یا چندجانبه و ارزهای رمزنهاد از راهبردهایی هستند که خبرگان صنعت نفت برای فروش نفت خام ایران ارائه کرده‌اند. از سوی دیگر تجربه و راهبردهای سایر تولیدکنندگان در شرایط تحریمی می‌تواند به بهبود وضعیت کشور در حوزه نفت و گاز کمک شایانی کند. به ویژه اینکه هدف اصلی تحریم‌های اقتصادی ایران این است که ضمن کاهش فروش نفت و انزوا از سیستم مالی بین‌المللی آن را وارد رکود اقتصادی کند (Katzman, 2021: 2). لذا باید فکر بدیل‌های دیگری برای مقابله با چنین وضعیتی بود. تشکیل باشگاه کشورهای تحریمی در حوزه انتقال مواد هیدروکربونی نظیر ایران، ونزوئلا، لیبی و روسیه یکی از این اقدامات پیشنهادی است. از سویی دیگر برخی از مهم‌ترین برنامه‌های عملیاتی در حوزه نفت و گاز مشترک کشور با روسیه و ونزوئلا که تجربه مشابه داشتند می‌تواند در حوزه‌های ذیل باشد: انعقاد قرارداد دوجانبه بانکی یا پیمان مبادله با روسیه تا از این طریق کمبود ارزهای بین‌المللی اقتصاد کشور را با توجه به ممنوعیت انتقال ارز جبران شود. بدین صورت که خرید کالاهای وارداتی از روسیه به صورت روبل انجام گیرد و طرف روسی نیز با ریال خریدهای خود را انجام دهد. امکان پوشش ریسک کاهش ارزش روبل با استفاده از روش‌های بازار بین‌المللی ارز نیز وجود دارد. استفاده از خطوط لوله صادرات نفت و سوآپ با روسیه یکی دیگر از راه‌های مقابله با تحریم‌ها است. در صورت معکوس‌سازی جریان خط لوله نفتی نکا به تهران که دارای ظرفیت ۳۰۰ هزار بشکه در روز است می‌تواند برای صادرات ۵۰ تا ۶۰ هزار بشکه در روز از ماچ کالا روسیه به اروپا مورد استفاده قرار بگیرد. این میزان در ماه حدود ۲ میلیون بشکه می‌شود. در حال حاضر



ترکمنستان از طریق خط لوله روسیه ۱۰۰ هزار بشکه در روز صادرات دارند. امکان سوآپ نفت ایران به جای نفت صادراتی به اسار هند و در مقابل صادرات نفت روسیه به چین وجود دارد. همچنین، صادرات نفت به پالایشگاه‌هایی که روسیه در مناطق مختلف سهامدار آنها است می‌تواند رویکرد رقابتی کشور در حوزه سهم بازار با روسیه را به رویکردی همکاری‌جویانه تبدیل کند.

از سویی دیگر پیشنهاد این است که یک مکانیزم سه جانبه بین ایران، ارمنستان و چین فعال شود و بحث فاینانس چینی‌ها که به شدت دنبال نفوذ در آسیای مرکزی هستند به طور جدی از سوی وزارت دنبال شود. چینی‌ها که خیلی با تامل و حساب شده وارد پروژه‌های احتمالی می‌شوند، باید به سرمایه‌گذاری در تکمیل خط راه‌آهن ایران ترغیب کرده تا بدین وسیله در قفقاز صاحب دو مسیر ریلی شویم. تکمیل راه‌آهن ایران، ارمنستان و گرجستان می‌تواند بندر عباس را به ساحل باطومی وصل کند و از این طریق تنوع بخشی صادرات محصولات هیدروکربوری را در قفقاز پیگیری کند. این نحوه ورود در سطح آسیای مرکزی می‌تواند با حضور ایران، ترکمنستان و قزاقستان و روسیه تبدیل به مکانیزم چهار جانبه در حوزه انرژی کرد.

- کاهش میزان مخالفت‌ها با طرح‌های انتقال انرژی: باید از میزان مخالفت‌ها و انتقادهای گسترده در محافل رسمی و دانشگاهی ایران در قبال طرح‌های انتقال انرژی در مناطق پیرامونی کشور، از جمله خط لوله تاپی کاسته شود تا از یک سو، ذهنیت منفی برخی از مقامات، نخبگان و افکار عمومی کشورهای منطقه به‌ویژه افغانستان منفی‌تر نشود. ایجاد یک ذهنیت مثبت راه را برای رسیدن به معادله انرژی در برابر آب با این کشور تسهیل کند. از سوی دیگر، به جنگ روانی و تبلیغاتی علیه ایران نیز دامن زده نمی‌شود. علاوه بر این، در سطح دستگاه‌های اجرایی کشور نیز نگرش به این طرح‌ها یکسان نیست و به‌طور مشخص، وزارت امور خارجه، وزارت نفت و وزارت نیرو نگرش‌های مختلفی به مسائل انرژی دارند که نمونه بارز آن، اختلافات وزارت خارجه با وزارت نفت در زمینه مسائل گازی ایران و ترکمنستان است که پس از گذشت چند سال هنوز حل و فصل نشده است. بنابراین، به نظر می‌رسد براساس منطق برد - برد نیاز به نگرش جدید به چنین طرح‌های منطقه‌ای وجود دارد و در این راستا، باید درصدد سیاست‌گذاری‌ها و راهکارهای دیگری برای مشارکت در چنین طرح‌هایی بود و از نگاه سستی برد - باخت و نگاه صفر و یک فاصله گرفت.

از سوی دیگر، در سطح سیاست‌گذاری و اجرایی نیز هماهنگی و انسجام بیشتری بین دستگاه‌های متولی این حوزه، به‌ویژه وزارت امور خارجه، وزارت نفت و وزارت نیرو ایجاد شود. در عرصه بازرگانی - تجاری توصیه می‌شود از راهبردهایی همچون استفاده از ظرفیت همسایگان منطقه‌ای و کشورهای بزرگ همسو، تجارت متقابل و تهاتر، شرکت‌های تراستی و واسطه‌های امن و شبکه مویرگی فروش نفت استفاده شود. با توجه به اینکه قرارداد گاز سوء مدیریتی از سوی ما محسوب می‌شود، این سوآپ با ترکمنستان و شمال شرق مشکل داریم و این سوآپ می‌تواند تراز منفی را حل کند.

- طرح‌های بدیل: با توجه به تحریم‌های هوشمند فعلی باید در عرصه فنی از راهبردهای سوآپ نفت، بلندینگ نفت، ساخت پالایشگاه‌های کوچک و پترو پالایشگاه در داخل و خارج کشور، ساخت مخازن ذخیره‌سازی در داخل و خارج از کشور، بورس نفت داخل کشور و پروژه‌های توسعه‌ای کشور توسط شرکت‌های خارجی با بهره‌مندی از درآمدهای نفتی استفاده کنیم. سرمایه‌گذاری در پالایشگاه‌های بزرگترین مصرف کنند مانند چین و هند برای تامین امنیت بازار نفت در آن مناطق یکی دیگر از راه‌حل‌های پیشنهادی است. همچنین در عرصه سیاسی و حقوقی به‌کارگیری افراد خبره دارای اختیار تام، ایجاد ستاد هماهنگی داخلی برای مقابله با تحریم توصیه می‌شود. سوریه نیز اگرچه سهم زیادی در بازار نفت ندارد، ولی تسلط آمریکا بر این منابع می‌تواند مشوق خوبی برای تداوم این سیاست آمریکا باشد. در این راستا پیشنهاد می‌شود برای کشورهای منطقه در قالب دیپلماسی فناوری و درآمدی دلاری با استفاده از تجربه‌های گرانسنگ کشور، پالایشگاه بسازیم. سرمایه‌گذاری (مشارکت) در کشورهای همسایه برای احداث پالایشگاه به طوری که بازار آن کشور از لحاظ فرآورده‌های نفتی تامین شود و ما ماده اولیه آنها را تامین کنیم.

- تنظیم پیش‌نویس راهبرد انرژی: پیش‌نویس راهبرد انرژی در دو حوزه انرژی فسیلی و انرژی پاک برای دوره تا سال ۲۰۳۵ و ۲۰۵۰ و تعیین سیاست‌های وزارت بر اساس آن می‌تواند هدایت‌کننده سیاست‌های کلان حوزه انرژی باشد. بر اساس این راهبرد می‌توان با در نظر گرفتن سهم انرژی تجدیدپذیر در کل مصرف اولیه انرژی کشور از ۱۰ درصد تا سال ۲۰۳۵ را تا ۲۰ درصد تا سال ۲۰۵۰ در نظر گرفت و بر اساس آن همه نهادهای موازی را برای رسیدن به تحقق آن همراه کرد. این طرح می‌تواند فتوولتائیک<sup>۱</sup>، انرژی بادی و ظرفیت

زمین‌گرمایی کشور را تا پایان سال ۲۰۳۵ به ۵.۹ گیگاوات افزایش دهد. جنبه مهم داخلی این مساله، همراهی افکار عمومی کشور با این ایده است و می‌تواند نقطه قوت و جذب‌کننده سیاست کلی دولت باشد. با توجه به این تغییر، بهره‌برداری حداکثری از حوزه سوخت فسیلی برای سرمایه‌گذاری در این حوزه، اصلاح زنجیره پایین دست پتروشیمی، خوداتکایی در حوزه انرژی بادی و کاهش مصرف داخلی سوخت فسیلی از طریق جایگزینی با انرژی تجدیدپذیر با اتکا درآمدهای حاصل از صادرات نفت باید محور باشد. این اقدام با توجه به پتانسیل‌های طبیعی و محیطی کشور، می‌تواند زمینه داشتن سهم در بازارهای آتی انرژی را تضمین کند.

- شرکت در طرح‌های دوجانبه و چندجانبه احداث کریدور و خط لوله: در بحث پیگیری استفاده از ظرفیت کریدورهای موجود اطراف ایران، یکی از مسائلی که همواره در برنامه‌های دولت‌های مختلف وجود داشته، مکانیزم‌های چند جانبه بوده است. ایران در آسیای مرکزی و قفقاز به جز با سازمان همکاری‌های اقتصادی موسوم به اکو که بنیان‌گذار و عضو اصلی آن محسوب می‌شود، در هیچ کدام از مکانیزم‌های منطقه‌ای عضو نیست. در سطح دیپلماسی دو جانبه هم نمی‌توان محدود ماند؛ زیرا یک خط لوله انرژی و یا یک کریدور جاده‌ای از بیش از دو کشور عبور می‌کند بنابراین مشارکت در این خط لوله‌ها و کریدورها نیازمند همکاری ۳ یا ۴ کشور است. مکانیزم‌های چند جانبه بین ۳ یا ۴ کشور با دستور کار مشخص و معین یک راه میانی بین ناکامی ایران در سازمان‌ها و دیپلماسی منطقه‌ای و محدودیت‌های دیپلماسی دو جانبه است. یک رویکرد پراگماتیستی<sup>۱</sup> می‌تواند منجر به خروجی شود. در همین رابطه مکانیزم‌هایی زیر را باید فعال کرد:

- قفقاز: مکانیزم سه جانبه ایران، روسیه و آذربایجان؛
- آسیای مرکزی: ایران، ترکمنستان و قزاقستان؛
- شبه قاره: ایران، افغانستان و هند؛

بحث اصلی شکل‌گیری این مکانیزم‌ها مسئله کریدور است. در مکانیزم ایران، روسیه آذربایجان دنبال اتصال ریلی، در مکانیزم ایران، ترکمنستان، قزاقستان راه‌آهن اینکه برون و دریای خزر در مکانیزم ایران و شبه‌قاره، بحث ترانزیت و کریدور مطرح است. ارمنستان تنها کشور عضو اقتصادی اوراسیا است که پل ارتباطی با گرجستان می‌تواند باشد. ارمنی‌ها

برنامه‌ای جهت بازسازی و نوسازی جاده‌های زمینی خود تا گرجستان را با نگاهی به سرمایه‌گذاری چینی‌ها در دست اجرا دارند. ایران می‌تواند با حضور یک مکانیزم سه جانبه با ارمنستان و چین صاحب یک خط ارتباطی مناسب با اوراسیا شود اما در این میان دو مافیای روسی در این زمینه یعنی گازپروم و شبکه ریلی روسیه در ارمنستان اجازه حضور ایران و برقراری این راه ارتباطی را نمی‌دهند. البته هنوز چینی‌ها جوابی به ارمنستان نداده‌اند. به نظر می‌رسد برای تکمیل این پروژه تا حدودی ملاحظه روس‌ها را دارند. از سویی دیگر پاکستان با توجه به اهداف منطقه‌ای و بهره‌برداری از موقعیت ژئواستراتژیک خود تلاش دارد تا با راه‌اندازی کامل خطوط راه‌های ارتباطی کریدور اقتصادی و همچنین توسعه زیرساخت‌های لجستیکی بندر گوادر اتصال منطقه‌ای با محوریت پاکستان را پیش ببرد. گوادر شکوفایی پاکستان را تسهیل و تسریع می‌کند. تحولات بین‌المللی اخیر شاهد برجستگی روزافزون بندر گوادر و در نتیجه روابط نزدیک‌تر بین پاکستان و چین بوده است. گوادر به عنوان یک نقطه دریایی مهم در خلیج فارس ظهور کرده است. گوادر که یک بندر طبیعی با آب گرم و در اعماق دریا است، شبیه یک «سرچکش»<sup>۱</sup> است و از خط ساحلی جنوب غربی دریای عرب پاکستان به بیرون پیش می‌رود. گوادر به یک نقطه مرجع مهم در بحث‌های مربوط به ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک منطقه جنوب آسیا تبدیل شده است. پاکستان از این اقدام تحت عنوان تغییر دهنده بازی نه تنها برای این کشور برای کل منطقه یاد می‌نماید.

قرن بیست و یکم با تمرکز مجدد چندین کشور برای سرمایه‌گذاری بیشتر و گسترش در حوزه دریایی همراه شده است. در حال حاضر، فعالیت‌های دریایی به ویژه در میان کشورهای در حال توسعه، اهمیت اقتصادی و سیاسی شتابانی به خود گرفته است. در اصل، بندر<sup>۲</sup> در اقتصاد یک کشور پل بین فعالیت‌های اقتصادی زمینی و دریایی<sup>۳</sup> آن کشور است. یک بندر جایگاه بسیار مهمی در حوزه توسعه اقتصادی دارد و استفاده از آن بر سرعت پیشرفت یک ملت تأثیر می‌گذارد. برخی از کشورها حتی از مرزهای خود فراتر رفته‌اند تا در بنادر خارج از قلمرو خود سرمایه‌گذاری کنند. این امر اهمیتی که به بنادر برای کنترل مسیرهای تجارت دریایی و فعالیت‌های دریانوردی داده می‌شود را برجسته می‌کند (Dinesh, 2021: 54). باید گفت تلاش قدرت‌های قاره آسیا برای پیشبرد ابتکارات منطقه‌ای

---

1. Hammer-Head

2. Port

3. Land and Sea

خود در جهت اتصال میان شرق و غرب این قاره پهناور دوچندان شده است. در این میان کشورهای حوزه جنوب و غرب آسیا با توجه به موقعیت حایز اهمیت ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیکی خود و تلاش برای بهره‌برداری از این موقعیت این توانمندی را در اختیار دارند تا توجه قدرت‌های بزرگ و نوظهور را به سوی خود جلب نمایند. در این میان نقش دو کشور جمهوری اسلامی ایران و پاکستان در معادلات به وجود آمده حایز اهمیت است. باید توجه داشت که علاوه بر ایران پاکستان یکی از مهم‌ترین کشورهای منطقه از نظر استراتژیک است. موقعیت ژئواستراتژیک پاکستان نقش حیاتی در چشم‌انداز اقتصادی منطقه‌ای آینده خواهد داشت. برای چین موقعیت استراتژیک پاکستان در تدوین استراتژی آینده این کشور در منطقه حیاتی است و بنابراین، چین و پاکستان بر روی ساخت کریدور اقتصادی از گوادر تا کاشغر<sup>۱</sup> توافق کردند (Khetran, 2014:70). کریدور اقتصادی چین - پاکستان با توجه به هدف اصلی پاکستان یعنی پیشبرد پروژه اتصال منطقه‌ای می‌تواند نقش و جایگاه کشورمان را تحت‌الشعاع قرار دهد. اما پیشبرد این مسیر برای پاکستان و بدون در نظر گرفتن موقعیت سیاسی و جغرافیایی ایران آسان نخواهد بود. پروژه کریدور شمال - جنوب می‌تواند به مثابه پروژه رقیب برای کریدور اقتصادی چین - پاکستان تعریف شود؛ چرا که رقیب پاکستان یعنی هند این اراده را در خود مشاهده می‌نماید تا با حضور و سرمایه‌گذاری در بندر چابهار، نفوذ خود را در حیط خلوت پاکستان یعنی کشور افغانستان گسترش دهد. ایران با توجه به این عامل چنین توانایی را دارد تا با استفاده از این ظرفیت علاوه بر آنکه در پروژه‌های کریدور اقتصادی چین - پاکستان سرمایه‌گذاری کند، بتواند حضور چین و پاکستان را نیز در پروژه‌های اتصال منطقه‌ای بندر چابهار فراهم کند. این مساله می‌تواند راه را نیز به منظور همگرایی اقتصادی منطقه‌ای میان کشورهای ایران، چین، پاکستان، روسیه و هند در قالب دو پروژه گوادر و چابهار تسهیل کند.

##### ۵. راهبردهای اجرایی

دستیابی به اهداف و کسب منفعت و سود لازم از طرح‌های توسعه‌ای به ویژه در بخش حیاتی انرژی عموماً از نقشه راه و راهبردهای عملیاتی مناسب پیروی می‌کند. به طور کلی راهبردی‌های ارائه شده در پژوهش حاضر به پنج بخش تقسیم می‌شوند.

#### 1. Kashghar

۱- رویکرد ترکیبی: استفاده هیبریدی از راهبردهای مطرح اصلی‌ترین توصیه سیاستی این پژوهش است؛ به‌عنوان مثال عرضه نفت از طریق بخش غیردولتی کشور به پالایشگاه‌های دارای ظرفیت خالی پالایشی و دریافت سهام پالایشگاه در ازای ارزش نفت یا حتی خرید یک پالایشگاه در خارج کشور از طریق تأمین خوراک اولیه به‌صورت بلندمدت از طریق شرکت‌های تراستی یا در حالتی دیگر استفاده از ظرفیت کشورهای بزرگ همسو و همسایگان منطقه‌ای در بلندینگ نفت و تغییر مشخصات آن؛ همان‌طور که روسیه نفت ونزوئلا را از طریق بلندینگ با نفت غرب آفریقا به پالایشگاه اسار<sup>۱</sup> هند می‌فروخت. همچنین ترکیب راهبرد تجارت متقابل نفت با راهبرد همکاری با کشورهای بزرگ همسو مانند روسیه و چین، برای تجارت متقابل نفت در برابر کالاهای اساسی کشور مانند غلات و ابزارآلات صنعتی یا تکنولوژی خاص زیرساختی حوزه نفت و همچنین خدمات از طریق شرکت‌های کشور خریدار نفت مثل پروژه‌های راه‌سازی و عمرانی در داخل کشور محور این سیاست پیشنهادی است.

با توجه به میزان تولید نفت کوره در کشور، کمک به بخش خصوصی در گسترش خدمات در دریای عمان و خلیج فارس برای سوخت‌رسانی سیاستی هوشمندانه خواهد بود. از جمله این کمک‌ها که بعد از کاسته شدن از حجم تحریم‌ها می‌تواند با سرعت بیشتری هم صورت بگیرد، می‌توان به شناور مناسب و مخازن کافی در بنادر کشور و جزایر ما در خلیج فارس با هدف افزایش سهم بانکرینگ<sup>۲</sup> اشاره کرد. ترکیب راهبرد ساخت یا خرید مخازن ذخیره‌سازی در خارج از کشور با راهبرد تجارت متقابل که هزینه خرید یا ساخت مخازن را می‌توان از طریق تحویل و تأمین نفت به‌صورت بلندمدت پرداخت، از نظر عملیاتی قابل اجرا خواهد بود. دسترسی به دریای خزر در شمال و خلیج فارس و دریای عمان در جنوب کشور موقعیت مطلوبی را برای جمهوری اسلامی ایجاد می‌کند تا با استفاده از ظرفیت همسایگان نفتی از جمله کشورهای روسیه، قزاقستان و عراق و استفاده از راهبرد سوآپ نفت، بخشی از نفت خام خود را به فروش برساند. ترکیب راهبرد استفاده از ارزش‌های رمز نهاد و راهبرد فروش مویرگی نفت از طریق شرکت‌های تراستی بخش غیردولتی، علاوه بر حل مسئله

1. Essar

2. Banking

بازگشت پول به چرخه اقتصادی، می‌تواند به دلیل کم شدن میزان حجم معاملات، استفاده از ارزهای رمزنهاد را با ظرفیت پایین تر هم ممکن سازد.

از سویی دیگر روسیه در حال انعقاد قرارداد ال ان جی<sup>۲</sup> با پاکستان است این در حالی است که کشور ایران دارای قرارداد صادرات گاز به پاکستان از طریق خط لوله بوده است و خط لوله انتقال تقریباً تا مرز این کشور نیز کشیده شده اما طرف پاکستانی به تعهد خود برای ساخت خط لوله انتقال عمل ننموده و مشکل مالی را عامل اصلی آن مطرح کرده است. با این وجود به نظر می‌رسد فشارهای آمریکا همراه با وجود ناامنی در بخش ایالات بلوچستان در عدم اجرای چنین تعهدی بی‌اثر نبوده است (Munir and others, 2013:170). در این راستا روسیه می‌تواند در سرمایه‌گذاری خط لوله داخل پاکستان کمک نماید. به‌علاوه، روسیه علاقه‌مند به صادرات گاز به هند از طریق خط لوله چابهار به هند است و در این خصوص با هندی‌ها نیز مذاکره نمودند. این پروژه نیز می‌تواند با مشارکت روسیه انجام گردد.

ترکیب راهبرد ساخت یا خرید مخازن ذخیره‌سازی در خارج از کشور با راهبرد تجارت متقابل که هزینه خرید یا ساخت مخازن را می‌توان از طریق تحویل و تأمین نفت به‌صورت بلندمدت پرداخت، از نظر عملیاتی قابل اجرا خواهد بود. دسترسی به دریای خزر در شمال و خلیج فارس و دریای عمان در جنوب کشور موقعیت مطلوبی را برای جمهوری اسلامی ایجاد می‌کند تا با استفاده از ظرفیت همسایگان نفتی از جمله روسیه، قزاقستان و عراق و استفاده از راهبرد سوآپ و تاپ‌آپ نفت بخشی از نفت خام خود را به فروش برساند. ترکیب راهبرد استفاده از ارزهای رمزنهاد و راهبرد فروش مویرگی نفت از طریق شرکت‌های تراستی بخش غیردولتی، علاوه بر حل مسئله بازگشت پول به چرخه اقتصادی، می‌تواند به دلیل کم شدن میزان حجم معاملات، استفاده از ارزهای رمزنهاد را با ظرفیت پایین تر هم ممکن سازد.

درخور توجه است که طرح تراسیکا کریدور حمل و نقل اروپا - قفقاز - آسیا با توافق چندجانبه‌ای که در سال ۱۹۹۸ بین اتحادیه اروپا و ۱۴ کشور دیگر به‌عنوان کریدورهای حمل و نقل جاده‌ای، ریلی و دریایی برای اتصال اتحادیه اروپا از طریق اروپای جنوب شرقی به قفقاز جنوبی و به آسیای مرکزی امضا شد، آغاز گردید. این طرح شامل تعداد زیادی

1. Cryptocurrency  
2. Liquefied Natural Gas

پروژه کمک فنی با مقداری سرمایه‌گذاری در نقشه مسیره‌های اولویت‌دار است (Emerson and Vinokurov, 2009:7). اگر کریدور بین‌المللی تراسیکا<sup>۱</sup> بدون حضور ایران، مسیر آسیای مرکزی را از طریق خزر به اروپا وصل می‌کند، بنابراین ایران جایگزین دارد. در اینجا سوال مطرح می‌شود که چکار باید کرد این موقعیت جغرافیایی به موقعیت ژئوپلیتیک تبدیل شود، به شکلی که بتوان از این موقعیت استفاده کرد. نکته اولیه این است که برای مدیریت فضا و استفاده از موقعیت ژئوپلیتیک ایران بهتر است از دو راهکار کلی استفاده کرد: الف) مدیریت زیر ساخت‌ها که همان حمل و نقل و شبکه‌ها را شامل می‌شود ب) مدیریت فضای سیاسی: فضا یا همان استفاده صحیح از فاصله دو مکان. اهمیت این فضا تا جایی است که با مدیریت آن بتوان سایر کشورها را در این راه با خود همراه کرد. سازماندهی سیاسی این فضا مهم‌ترین عامل ارتقاء جغرافیایی به ژئوپلیتیک است.

۲- تنوع بخشی و نگاه بلندمدت به طرح‌های انرژی منطقه: تنوع بخشی به طرح‌های منطقه ای رویکردی مناسب برای منافع ملی و سیاست خارجی است. ایران در حال حاضر مکانیزم ایران، آذربایجان و روسیه را در قفقاز دارد و در راستای سیاست تنوع بخشی<sup>۲</sup> باید دو مکانیزم دیگر یعنی ایران، ارمنستان و گرجستان از یک سو و ایران ارمنستان و روسیه را از جانب دیگر فعال کند. پیشنهاد این است که یک مکانیزم سه جانبه بین ایران، ارمنستان و چین فعال شود و بحث فاینانس چینی‌ها که به شدت دنبال نفوذ در آسیای مرکزی هستند به طور جدی دنبال شود. چینی‌ها که خیلی با تأمل و حساب شده وارد پروژه‌های احتمالی می‌شوند، باید به سرمایه‌گذاری در تکمیل خط راه آهن ایران ترغیب کرده تا بدین وسیله در قفقاز صاحب دو مسیر ریلی شود. تکمیل راه آهن ایران، ارمنستان و گرجستان می‌تواند بندرعباس را به ساحل باطومی وصل کند و از این طریق تنوع بخشی را در قفقاز پیگیری کند. این نحوه ورود در سطح آسیای مرکزی می‌تواند با حضور ایران، ترکمنستان و قزاقستان و روسیه تبدیل به مکانیزم چهار جانبه کرد. ایران در حال حاضر نه در قفقاز و همچنین در آسیای مرکزی پیوند ندارد. با این حال به دلیل محصور بودن چند کشور منطقه در خشکی می‌توان در یک اقدامی چهار جانبه و در سطح سران، حمایت‌های خوبی برای منظم‌تر شدن خطوط ریلی ایران فراهم کرد.

1. Traceca (Transport Corridor Europe-Caucasus-Asia)  
2. Diversification



از طرفی باید به خط لوله تاپی، خط لوله صلح، طرح انتقال برق کاسا ۱۰۰۰ و سایر طرح‌های اقتصادی که با اهداف و انگیزه‌های مختلف از سوی کشورها مورد حمایت قرار می‌گیرند، نگاه بلندمدت داشت و اجازه داد این زیرساخت‌ها در افغانستان شکل بگیرند که سود و منفعت آن در نهایت برای تمامی ملت‌های منطقه خواهد بود. در این میان توجه به تحولات مهم در بخش انرژی منطقه اهمیت فراوانی دارد: همکاری پالایشگاهی با کشورهای آسیای مرکزی قفقاز (آنهایی که بخشی از اپک گاز و نفت نیستند) آذربایجان ترکمنستان و قزاقستان که بعد از کاهش قیمت جهانی، قیمت نفت و گاز به سطح پایینی تنزل یافت، دنبال تنوع بخشی در حوزه سرمایه‌گذاری‌های مطمئن و پایدار می‌روند و یکی از حوزه‌ها سرمایه‌گذاری پتروشیمی به جای بخش بالادست است. ایران ظرفیت خوبی در این بخش دارد که در ترکمنستان آذربایجان وارد شود. از سویی دیگر شکاف بین روسیه و اروپا در بحث اوکراین و گاز - در سند استراتژی انرژی ۲۰-۲۵ ساله اتحادیه اروپایی شاه کلید بحث تنوع بخشی به منابع وارداتی انرژی است. در این میان سه کشور آذربایجان، ترکمنستان و ایران مورد توجه است. ایران باید از شکاف روسیه و اتحادیه اروپا استفاده کند و از نظر سیاسی و اقتصادی به دو طرح ساخت خطوط لوله ترانس آدریاتیک موسوم به تاپ<sup>۱</sup> و خط لوله گازی ترانس آناتولی موسوم به تاناپ<sup>۲</sup> گره بخورد (tomberg, 2009: 25). نزدیکی هر چه بیشتر به این موضوع می‌تواند انزوای ایران و افزایش تحریم‌ها را سخت‌تر کند. در این زمینه باید ضمن افزایش توان زیرساخت‌ها و جلب سرمایه‌گذاری، به افزودن ظرفیت دیپلماسی نیز توجه کرد. ایران برای تاپ و تاناب ملاحظه دارد و با قیمت مشکل دارد. اگر ایران وارد تاپ و تاناب شود می‌تواند از شکاف استفاده کرده و حذف ایران سخت‌تر گردد.

باید با نگاهی راهبردی به این مسائل توجه کرد. (۱) تنوع بخشی (۲) نگاه منطقه‌ای (۳) هماهنگی و کاهش تضاد داخلی (۴) عضویت در مکانیزم‌های چند جانبه (۵) تلاش برای ایجابی عمل کردن به همراه کلان‌نگری که تمامی اینها موجب استفاده از ظرفیت ژئوپلیتیک ایران خواهد شد. مهم‌تر از نقش و مناسبات آمریکا در بخش کریدورها، ضعف‌های ترانزیتی و لجستیکی دستگاه‌های ایران در این زمینه است. ضعف مدیریت (نبود یک مدیریت واحد که بخش فنی و نظارتی را مدیریت کند) تا جایی پیش طرح‌های موجود نباید رودروی هم

1. Trans Adriatic Pipeline (Tap)  
2. Trans Anatolian Pipeline (Tanap)

قرار بگیرد. پیشنهاد مشخص برای پوشش این نقطه ضعف ایجاد یک کارگروه بین وزرات خارجه، وزارت کشور، وزارت اقتصاد و وزارت راه است. این کارگروه می‌تواند با یک برنامه نرم‌افزاری زیر نظر ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی اولویت‌ها را مشخص و هماهنگی‌های لازم را ایجاد کند. ایران باید به سمت اتخاذ یک نگاه بلندمدت حرکت کند. باید برای تمام ظرفیت‌های بالقوه نگاه بلندمدت و برنامه مشخص داشته باشد. برای مثال اروپایی‌ها به دنبال فرصت‌های مطرح شده در اقیانوس هند هستند و در این میان چابهار می‌تواند یک گزینه باشد. فقدان نگاه بلندمدت باعث شده تا خط لوله صلح در گام‌های ابتدایی باقی بماند. این نگاه چندجانبه و همه‌جانبه می‌تواند ظرفیت‌های ژئوپلیتیک ایران را چندین برابر کند. از طرفی استفاده از ظرفیت دیپلماسی با عراق، عمان و قطر برای انعقاد قرارداد یکپارچه‌سازی برای میدین مشترک نفت و گاز در جهت حداکثرسازی منافع مشترک با توجه به بهبود نسبی روابط با این کشورها یکی دیگر از دستور کارهای پیشنهادی است. مناسب است خطوط گاز ایران با دیدگاهی بلندمدت از سمت مدیریتانه با قرار دادن نقطه تمرکز در اتحادیه اروپایی، از پوسته خشک فعلی بیرون آمده و به جای اوراسیا که در انحصار روسیه است، به اروپا فکر کند. در کنار حفظ این قدرت چانه‌زنی باید به شدت از آن مراقبت کرد. نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که تنوع‌بخشی رویکردی مناسب برای منافع ملی و سیاست خارجی است. ایران در حال حاضر مکانیزم ایران، آذربایجان و روسیه را در قفقاز دارد و در راستای سیاست تنوع‌بخشی<sup>۱</sup> باید دو مکانیزم دیگر یعنی ایران، ارمنستان و گرجستان از یک سو و ایران ارمنستان و روسیه را از جانب دیگر فعال کند.

۳- پرهیز از موازی کاری و تشکیل معاونت دیپلماسی انرژی در وزارت امور خارجه: ظرفیت‌های مختلف جمهوری اسلامی ایران برای همکاری با روسیه (مانند: موضوع سوریه، احداث نیروگاه هسته‌ای، خریدهای تسلیحاتی، افغانستان، اوپک گازی، همکاری در بازار نفت و مسائل حوزه خزر) باید در راستای یکدیگر به کار گرفته شوند تا امکان بازیگری بیشتری برای ایران فراهم شود. تعدد مراکز تصمیم‌گیری، تقسیم شدن توان و ظرفیت سازمان‌ها و نهادهای دارای مسئولیت و بعضاً به هدر رفتن توان دستگاه‌های مختلف توسط یکدیگر و اهمیت ندادن و باور نداشتن برخی از مسئولان به مفید بودن این همکاری‌ها، از مهم‌ترین موانعی است که بر سر راه گسترش همکاری‌های اقتصادی و تجاری ایران با

کشورهای حوزه اوراسیا وجود دارد. در حال حاضر، نوعی از هم‌گسیختگی، پراکنده‌کاری، موازی‌کاری و بعضاً رفتارهای متناقض در نهادهایی که در این زمینه مشغول فعالیت هستند، قابل مشاهده است؛ به عنوان مثال اقدامات سازمان انرژی اتمی، وزارت نفت، وزارت بازرگانی، نهادهای دفاعی و امنیتی، و وزارت امور خارجه در قبال کشورهای حوزه اوراسیا در برخی از موارد، نه در راستای یکدیگر، بلکه در تعارض با یکدیگر قرار دارند.

با توجه به اینکه در اهداف برنامه ششم اصلاح ساختار دفاتر منطقه‌ای به عنوان یک تکلیف آمده است و از طرفی باید از مزیت کشور در حوزه انرژی (هیدروکربوری) بهره‌برداری کرد، اصلاح ساختار وزارت امور خارجه و ایجاد معاونت دیپلماسی انرژی<sup>۱</sup> در این وزارتخانه و همچنین ایجاد رایزن انرژی<sup>۲</sup> در سفارتخانه‌های کشورهای که بازارهای جذاب جدید انرژی به حساب می‌آیند، زمینه جذب سرمایه بیشتر بخش خصوصی و انتقال فناوری از کشورهای پیشتاز را فراهم خواهد کرد. ظرفیت‌های اروپایی ایران در یونان، ترکیه، ایتالیا، اسپانیا و فرانسه از قبل وجود دارد و نیازمند چانه‌زنی جدید برای احیای سهم ایران است که بنا به تجربه‌های پیشین امید زیادی در این زمینه وجود دارد. در این میان با توجه به رشد اقتصادی، کشورهای آسیایی نظیر اندونزی، ویتنام و تایلند می‌تواند بازارهای جدید ایران محسوب شود. بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت صادراتی و همزمان سیاست بهینه‌سازی مصرف نفت و گاز داخل کشور، ظرفیت صادراتی جدید ایجاد خواهد کرد.

۴- الزام اتخاذ نگاه منطقه‌ای به جای نگاه ملی: ایران بهتر است به جای یک نگاه ملی به پتانسیل‌های کریدوری و خط لوله‌ای موجود در منطقه، نگاهی منطقه‌ای داشته باشد. در مورد مزیت‌های موقعیتی، نگاه منطقه‌ای به سایر سرمایه‌گذاری‌های خط لوله‌ای وجود داشته باشد. از حضور سرمایه‌گذاران در منطقه برای استفاده از ظرفیت کشورهای همسایه باید استقبال کرد. این کشورها را از خود دلسرد نکنیم. نباید همه مسیرهای کریدور از ایران بگذرد. اگر خط لوله باعث امنیت می‌شود باید از آن استقبال کنیم. در عین نگاه به منافع ملی نگاه منطقه‌ای هم داشته باشیم. به جای موضع‌گیری بخواهیم وارد سرمایه‌گذاری بشویم. در این میان توجه به تحولات مهم در بخش انرژی منطقه اهمیت فراوانی دارد:

1. Deputy Of Energy Diplomacy
2. Energy Advisors

- ایران باید از شکاف روسیه و اتحادیه اروپا استفاده کند و از نظر سیاسی و اقتصادی به دو پروژه تاپ و تاناب گره بخورد. نزدیکی هر چه بیشتر به این موضوع می‌تواند انزوای ایران و افزایش تحریم‌ها را سخت‌تر کند. در این زمینه باید ضمن افزایش توان زیرساخت‌ها و جلب سرمایه‌گذاری، به افزودن ظرفیت دیپلماسی در این زمینه توجه کرد. از ایران دعوت شد ما باید از این ظرفیت استفاده کنیم. ایران برای تاپ و تاناب ملاحظه دارد و با قیمت مشکل دارد. اگر بعد از ۲۰۱۸ وارد تاپ و تاناب شویم می‌توانیم از شکاف استفاده کنیم و حذف ایران سخت‌تر می‌شود و آثار بلندمدت استراتژیک نیز در پی خواهد داشت؛ اگر تا حدی هم شده قیمت پایین بیاد نگاه استراتژی داشته باشیم.

- همکاری با کشورهای آسیای مرکزی قفقاز (آنهایی که بخشی از اپک گاز و نفت نیستند) و مشخصاً کشورهای آذربایجان، ترکمنستان قزاقستان.

- باید به افزایش مسیر جایگزینی انتقال شبکه گاز از منطقه شمال تاکید کرد. این تاکید ضمن توان رقابت و مخالفت با پروژه روسی ترانس خزر، امکان دور زدن ترکمنستان و رفتن به اروپا را فراهم می‌کند. این مسئله قدرت چانه‌زنی ایران در برابر ترکمنستان به عنوان مهم‌ترین مسئله بهره‌برداری از ظرفیت گاز را بالا می‌برد.

۵- دیپلماسی مقاومت و اتخاذ راهبرد انرژی در شرایط تحریم‌ها: دیپلماسی امری متعارف در نظام بین‌الملل است. دستگاه دیپلماسی ما از ابتدای انقلاب با فراز و فرودهایی مسیر خود را رفته اما دیپلماسی مقاومت سرمایه جدیدی است که می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. تاریخ چهار دهه انقلاب اسلامی گواه روشنی بر داشتن دست برتر دیپلماسی مقاومت<sup>۱</sup> است. به عبارتی دیگر، در طول دهه‌های اخیر دول مختلفی آمده‌اند و رفته‌اند و هر یک براساس تفکر و رویکرد خود در عرصه دیپلماسی نقش آفرینی کرده‌اند؛ اما همگان شاهد بوده‌اند عمر روش دیپلماسی هر دولت، به اندازه عمر همان دولت بوده است، اما دیپلماسی مقاومت ملهم از اندیشه و فرهنگ بسیج، چهار دهه است که در ایران زنده است و هر جا شاهد پیروزی و اقتداری در سطح بین‌الملل بوده‌ایم، حاصل همین نگاه بوده است.

در حوزه بهره‌برداری از تمام ظرفیت‌هایی که ایران در آن دست بالا را دارد مانند انرژی، معادن، نظامی به خصوص موشکی بایستی تمام قد برای نقد کردن آن ایستاد. این ایستادگی

از مسیر دیپلماسی می‌گذرد. دیپلماسی که باید شاخصه‌های نظام اسلامی یعنی ضد استکباری آن لحاظ شود. دیپلماسی غیرمقاومتی در حوزه انرژی گاه تحت تاثیر ملاحظات سیاسی و جناحی زمینه‌ساز خود تحریمی یا عقب ماندگی حوزه انرژی شده است. در شرایط کنونی که ایران شرایط تحریم را تجربه می‌کند و بخش قابل توجهی از بودجه آن به درآمدهای نفتی وابسته است، شناسایی راهبردهایی برای فروش نفت با اتکا به دیپلماسی مقاومت امری ضروری و حیاتی است. شناسایی تک‌تک این راهبردها و تلاش برای اجرا و استفاده از آنها جهت فروش نفت و افزایش درآمدهای ناشی از آن در جای خود بسیار مهم است؛ اما ناگفته پیداست که بدون اتخاذ یک نوع دیپلماسی مقاومت در شرایط حاضر ظرفیت اجرای همه راهبردها وجود ندارد.

باید این واقعیت را پذیرفت که در مواجهه با چشم‌انداز مجازات‌های سخت توسط ایالات متحده، اکثر شرکت‌های نفتی بین‌المللی از ایران خارج شده‌اند. علیرغم وعده‌های قبلی دولت‌های متبوع این شرکت‌ها مبنی بر حفظ تجارت با ایران، خریداران کلیدی نفت، واردات خود از تهران را کاهش داده‌اند. به ویژه در میان کشورهای اروپایی، شکافی بین ادعاها و جاه‌طلبی سیاسی<sup>۱</sup> جهت ادامه واردات نفت ایران و واقعیت‌های تجاری بر روی زمین<sup>۲</sup>، یعنی حساسیت به تحریم‌های آمریکا<sup>۳</sup>، پدید آمده است. همچنین در آسیا، برخی واردکنندگان سنتی، خرید خود از ایران را به میزان قابل توجهی کاهش دادند که نقش مهمی در کاهش صادرات نفت ایران داشت (Jalilvand, 2019:2)؛ چرا که از تحریم‌های هوشمند آمریکا نگران هستند. آمریکا همواره به طرف‌های معامله با ایران هشدار داده است که از اتخاذ اقداماتی جهت خنثی‌سازی تحریم‌های آمریکا علیه ایران کشور خودداری کنند. با توجه به تحریم‌های هوشمند فعلی باید در عرصه فنی از راهبردهای سوآپ و تاپ‌آپ نفت، بلندینگ نفت، ساخت پالایشگاه‌های کوچک و پترو پالایشگاه در داخل کشور، ساخت مخازن ذخیره‌سازی در داخل و خارج از کشور، بورس نفت داخل کشور و پروژه‌های توسعه‌ای کشور توسط شرکت‌های خارجی با بهره‌مندی از درآمدهای نفتی استفاده کنیم. همچنین در عرصه سیاسی و حقوقی به‌کارگیری افراد خبره دارای اختیار تام، ایجاد ستاد هماهنگی داخلی برای مقابله با تحریم و تشکیل سازمان کشورهای تحریم‌شده توصیه می‌شود. از سوی دیگر

1. Political Ambition
2. Realities on The Ground
3. Sensitivity to Us Sanctions

بعد مالی در فروش نفت اهمیت فراوانی دارد و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های خارجی و خرید پالایشگاه خارج از کشور، ورود بخش غیردولتی کشور در بازاریابی نفت خام و استفاده از پیمان‌های پولی دو یا چندجانبه و ارزهای رمزنهاد از راهبردهایی هستند که خبرگان صنعت نفت برای فروش نفت خام ایران ارائه کرده‌اند. در عرصه بازرگانی - تجاری توصیه می‌شود از راهبردهایی همچون استفاده از ظرفیت همسایگان منطقه‌ای و کشورهای بزرگ همسو، تجارت متقابل و تهاتر، شرکت‌های تراستی و واسط‌امین و شبکه مویرگی فروش نفت استفاده شود. تحلیل کلی نشان می‌دهد برای بازاریابی و فروش نفت خام به کار گرفتن ظرفیت‌ها و توانمندی‌های داخلی کشور و تلاش در جهت ارتقای توانمندی‌های فناورانه برای کاهش وابستگی به شرکت‌های بین‌المللی یکی دیگر از راهبردهای میان‌مدت در تقابل با عمر و دوام تحریم است.

### نتیجه‌گیری

علم از مسئله<sup>۱</sup> و وجود دغدغه ذهنی و دل مشغولی افراد شروع می‌شود. مسائل چنانچه حل و فصل نشود به یک مشکل<sup>۲</sup> تبدیل می‌شوند، مشکلات نیز اگر رفع نشوند به بحران<sup>۳</sup> مبدل می‌شوند. بحران نیز مقوله‌ای است که منافع ملی<sup>۴</sup> کشورها را تحت خطر جدی قرار می‌دهد. با توجه به شرایط سیاسی و اقتصادی کنونی، جهت افزایش امنیت بازارهای بین‌المللی انرژی کشور و افزایش دست‌آوردهای سیاسی - اقتصادی، احصاء، تشریح و تبیین محدودیت‌ها، الزامات و راهبردهای اصلی در حوزه دیپلماسی انرژی ضرورت راهبردی دارد. هر کدام از این موارد، مسائل و دغدغه‌های ذهنی و دل مشغولی متولیان امر در حوزه انرژی به شمار می‌روند که چنانچه به موقع در مورد آنها تأمل و چاره‌اندیشی نشود تبدیل به مشکل می‌شوند. محیط جغرافیایی ایران هر چند به صورت بالقوه یک مزیت و فرصت ویژه و کم نظیر به شمار می‌رود اما همین فرصت در صورت عدم مدیریت کافی و بهره‌گیری بهینه از آن از یک سو و کاربست هر چه سریع‌تر نقشه‌های اقتصادی رقبا در حوزه انرژی، ترانزیت و خطوط لوله، تبدیل به یک تهدید برای ایران می‌شود. در این میان دیپلماسی انرژی و بهره-

1. Issue

2. Problem

3. Crisis

4. National Interest

گیری از کارشناسان خبره و متخصص در این حوزه بیش از پیش اهمیت پیدا می‌کند. قاعدتاً نام بردن از دیپلماسی انرژی بدون واکاوی آن و برشمردن دال‌های مرکزی و عناصر مقوم‌ساز و تحکیم‌کننده، یک مسئله‌ی انتزاعی است. انضمامی‌سازی این حیطه ضروری، هنگامی میسر می‌شود که بتوان هم آن را تعریف کرد و چیستی آن را کنکاش نمود و هم اینکه چالش‌ها، محدودیت‌ها، الزامات و راهبردهای عملیاتی‌سازی آن را تشریح نمود. محیط‌شناسی منطقه‌ای از یک سو و ساختارشناسی داخلی در حوزه انرژی نشانگر این است که در خصوص چالش‌ها و محدودیت‌ها می‌توان مواردی از جمله نگاه سنتی، رویکرد متعارض کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، فقدان مشارکت در کریدورها و تحریم‌های بین‌المللی و انقلاب در فناوری‌های انرژی پاک را احصا کرد. از سوی دیگر و پیرامون الزامات محوری، مؤلفه‌هایی از جمله کاربست طرح‌های بدیل به منظور مقابله با تحریم‌های آمریکا، جذب سرمایه‌گذاری، کاهش میزان مخالفت‌ها با طرح‌های انتقال انرژی، طرح‌های بدیل، تنظیم پیش‌نویس راهبرد انرژی، شرکت در طرح‌های دوجانبه و چندجانبه احداث کریدور و خط لوله قابل اشاره است. در این پژوهش به پنج دسته راهبرد شامل رویکرد ترکیبی، تنوع بخشی و نگاه بلندمدت به طرح‌های انرژی منطقه، پرهیز از موازی کاری تشکیل معاونت دیپلماسی انرژی در وزارت امور خارجه، الزام اتخاذ نگاه منطقه‌ای به جای نگاه ملی، دیپلماسی مقاومت و اتخاذ راهبرد انرژی در شرایط تحریم‌ها پیشنهاد می‌شود. در پایان باید اشاره داشت که استفاده هیبریدی از الزامات فوق اصلی‌ترین توصیه سیاستی این پژوهش است.

### منابع

- رضوی، سید عبدالله، بیات، محمدباقر. (۱۳۹۸). «درس‌های تجارت نفت و گاز جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر راهبردهای تجارت نفت و گاز روسیه در دوران تحریم»، *فصلنامه راهبرد اقتصادی*، سال هشتم، شماره بیست و نهم، صص ۱۵۴-۱۱۱.
- طریقی، نوشین و طاهری، ابولقاسم. (۱۳۹۸). «دیپلماسی انرژی در اسناد راهبردی سیاست خارجی ایران»، *فصلنامه سیاست جهانی*، دوره هفتم، شماره چهارم، صص ۲۶۱-۲۸۲.
- قنبرلو، عبدالله. (۱۳۹۳). «مبانی و مؤلفه‌های مفهومی اقتصاد سیاسی بین‌الملل»، *جستارهای سیاسی معاصر*، سال پنجم، شماره دوم، صص ۸۷-۱۱۰.

محتشم دولتشاهی، طهماسب. (۱۳۹۰). *مبانی علم اقتصاد: اقتصاد خرد، اقتصاد کلان*، تهران: چاپ سی و یکم، ویراست ششم.

- Collinsm, Craig and Packer, John (2006), **Options and Techniques for Quiet Diplomacy**, The Folke Bernadotte Academy press.
- de sousa, jaime Pereira (2019), **economic diplomacy a critical analysis**, **iscte**, business school instituto universitario de lisboa.
- Dinesh, Sindhu (2021), **Strategic Salience of the Gwadar Port an Analytical Study**, Journal of Defence Studies, Vol. 15, No. 1, pp. 53–78.
- Emerson, Michael and Vinokurov, Evgeny (2009), **Optimisation of Central Asian and Eurasian Trans-Continental Land Transport Corridors**, the Centre for European Policy Studies (CEPS), working paper 07.
- europa.commission (2021), **report from the commission to the european parliament and the council, progress on competitiveness of clean energy technologies**, com (2021) 950 final, (2021) 307 final.
- Griffiths, Steven (20۱۹), **Energy diplomacy in a time of energy transition**, **Energy Strategy Reviews**, 123456–89–1213.
- Jalilvand, David Ramin (2019), **Back to Square One? Iranian Energy After the Re-Imposition of Us Sanctions**, Oxford Energy Comment.
- karacan, ridvan and others (2021), **the impact of oil price on transition toward renewable energy consumption? evidence from russia**, mdpi - publisher of open access journals, energies, 14, 2947. <https://doi.org/10.3390/en14102947>
- Katzman, Kenneth (2021), **Iran Sanctions**, **ongressional Research Service**, .RS20871.
- Khetran, MirSherbaz (2014), **The Potential and Prospects of Gwadar Port**, **Institute of Strategic Studies Islamabad**, Vol. 34, no. 1, pp. 70-89.
- Munir, Muhammad and others (2013), **Iran-Pakistan Gas Pipeline: Cost-Benefit Analysis**, **Journal of Political Studies**, Vol. 20, Issue - 2, 161:178.
- S. Rana, Kishan (2007), **Bilateral Diplomacy**, Diplohandbooks, Mediterranean Academy of Diplomatic Studies University of Malta.
- Shirazi, Homayoun and others (2016), **The Effect of Economic Sanctions on Iran's Export**, **Iran. Econ. Rev.** Vol. 20, No. 1, pp. 111-124.
- Stanzel, Volker (2018), **New Realities in Foreign Affairs: Diplomacy in the 21st Century**, **German Institute for International and Security Affairs**, Swp Research Paper11.
- Tomberg, igor (2009), **iran in the European gas market: a Russian point of view**, **the inistitute francais des relations internationals (ifri)**.

۱۹۸

پژوهش‌های  
روابط بین‌الملل

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره دوازدهم،

شماره اول، شماره

پیاپی چهل و

چهارم، بهار ۱۴۰۱